



۲۰۱۳/۱۰/۰۶

نجیب الله خلی

دشواری ها و پیچیدگی های موافقت نامه امنیتی و دفاعی مقدمه و منبع مصاحبه: از روزنامه جامعه باز

یکی از موضوعاتی که در جریان بحث‌های انتخاباتی از نظرها دور مانده است، بحث موافقتنامه امنیتی و دفاعی با ایالات متحده امریکاست. در روزهای اخیر، سخن گوی ریاست جمهوری اعلام کرد که مذاکره بر سر موافقتنامه امنیتی و دفاعی به مرحله حساسی رسیده است. امضای موافقتنامه امنیتی با امریکا، یکی از موضوعات حساس و در عین حال حیاتی برای افغانستان است. این امر هم در داخل کشور با عکس العمل‌ها و موضع گیری‌های متفاوت و متضادی همراه است، هم برخی از کشورهای دیگر این موضوع را با حساسیت و دقت زیر نظر دارند. تردیدی نیست که مسأله موافقتنامه امنیتی و دفاعی، جدای از بحث‌های فنی و تکنیکی، برای کشور و مردم افغانستان از هر حیث دارای اهمیت شمرده می‌شود. یکی از دلایل آن هم نیاز اردو و نیروهای امنیتی و نظامی ما به حمایت‌های بیرونی است. تجدید بنای نیروهای نظامی ما مستلزم دسترسی به تجهیزات، آموزش و تکنولوژی جدید است. پرسش مطرح این است که آیا موافقتنامه امنیتی و دفاعی تنها به همین مسأله خلاصه می‌شود؟ تعهدات افغانستان در برابر دریافت این نوع کمک‌ها چه چیزهایی خواهد بود؟ آیا مذاکره بر سر موافقتنامه امنیتی و دفاعی لزوماً طبق همان تصور عمومی از آن پیش می‌رود، یا محدودیت‌ها و دشواری‌های فنی زیادی پیش روی آن است؟ این محدودیت‌ها و دشواری‌ها چیست؟

آیا امضای پیمان تحت هر شرایطی به نفع افغانستان است؟ عقلانیت سیاسی ایجاب می‌کند که نگاه ما به موافقتنامه امنیتی و دفاعی، نگاهی همه جانبه و فراگیر باشد. فراموش نکنیم که تاریخ افغانستان معاهده‌های زیادی را در خاطره دارد که کشور برای همیشه با پیامد‌های ناگوار آنها درگیر خواهد بود. روزنامه جامعه باز به منظور روشن شدن بخشی از واقعیت‌های موجود در بحث موافقتنامه امنیتی و دفاعی، درگفت و گوی این هفته، دیدگاه ایمل فیضی، سخنگوی ریاست جمهوری را به نشر می‌سپارد. ایمل فیضی در رشته‌های روزنامه نگاری و علوم سیاسی تحصیل کرده است. به همین دلیل، یکی از علائق او را روزنامه و روزنامه نگاری در کشور تشکیل می‌دهد. ایمل فیضی برای بازدید از روزنامه جامعه باز و دیدار و آشنایی با مسؤولان و کارمندان آن آمده بود و گپ و گفتی داشت با تحریریه روزنامه. با استفاده از فرصت حضور ایشان در دفتر روزنامه، مجال این پرسش و پاسخ نیز فراهم شد که شما را به مطالعه آن فرا می‌خوانیم.

جامعه باز: به رغم مذاکرات طولانی که در مورد پیمان امنیتی و دفاعی صورت گرفته، اما هنوز شاهد پیشرفت چشم گیری در این زمینه نیستیم. به نظر می‌رسد، روند مذاکرات به کندی پیش می‌رود. دلیل این کندی یا تأخیر در امضای پیمان امنیتی و دفاعی افغانستان و امریکا چیست؟

ایمل فیضی: موافقتنامه امنیتی و دفاعی، بخشی از همکاری‌های ستراتیژیک افغانستان و امریکاست که سال قبل به امضاء رسیده است. اما وضاحت در مورد تأخیر امضای موافقتنامه امنیتی و دفاعی با امریکا، نیازمند توضیح چند مسأله است. تأمین امنیت در کشور، تجهیز نیروهای نظامی کشور، آموزش نیروهای امنیتی و دفاع از افغانستان در برابر تجاوز بیرونی از مهم ترین موارد امضای این پیمان است؛ اما وقتی به جزئیات این پیمان دقت شود، متأسفانه ضمانت‌هایی را که امریکا باید به افغانستان بدهد، واضح نیست و مورد سؤال قرار می‌گیرد.

■ موضوع اول: دفاع از افغانستان در برابر تجاوزهای بیرونی، بسیار مهم و اساسی است که ربط می‌گیرد به مسأله امنیت و ثبات در کشور. در «موافقتنامه همکاری‌های ستراتیژیک» که سال گذشته به امضاء رسید، ما روی این موضوع تأکید کردیم و به امریکا قبولانیدیم که اگر به افغانستان تجاوز شود، امریکا به عنوان یک همکار ستراتیژیک باید از افغانستان دفاع کند و این دفاع باید شامل همکاری‌های دیپلماتیک، امنیتی و دفاعی باشد. این سند ستراتیژیک امضاء شد؛ اما بعد برای بیش از یک و نیم سال دیدیم که پاکستان همواره حملات

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۶

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پاروالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

توپخانه ای و راکتی خود را به بخش هایی از کشور ادامه داد. زمانی که «جان آلن» فرماندهی نیروهای ناتو در افغانستان را به عهده داشت، او و سفیر سابق امریکا همواره می گفتند، خبرهایی که در رسانه های داخلی افغانستان منتشر می شود، دقیق نیست و به این میزان توپ و راکت از طرف پاکستان به خاک افغانستان پرتاب نشده است. آن ها می گفتند که با امکانات و وسایلی که در اختیار داریم و از فضاء تصویر گرفته ایم، دریافتیم که نیروهای امنیتی پاکستان در پرتاب این راکت ها دخیل نبوده است؛ بلکه این عمل، کار عناصر مخرب است که در دو طرف خط دیورند، فعالیت دارند. آنها می گفتند، ما هیچ گونه سندی نداریم که اثبات کند نیروهای امنیتی پاکستان این حملات را انجام داده باشد.

در همین مسأله، امریکا علی رغم تعهدش در سند ستراتیژیک مبنی بر دفاع از افغانستان در چنین مواقع، نه تنها از افغانستان در برابر پرتاب راکت های پاکستان دفاع نکرد؛ بلکه گزارش های حملات راکتی پاکستان به خاک افغانستان را نادرست خواند.

با توجه به این تجربه تلخ و درسی که ما از این مسأله گرفتیم، توقع داریم و جداً می خواهیم که امریکا با امضای سند همکاری های امنیتی و دفاعی، به دولت افغانستان ضمانت بدهد و تعهد بسپارد که از افغانستان در برابر تجاوز بیرونی، دفاع می کند. سند همکاری های امنیتی و دفاعی جامع و با جزئیات طرح و آماده شده است که همه ابعاد همکاری های دفاعی و امنیتی افغانستان با امریکا را توضیح، می دهد. با در نظر داشت تجربه تلخ گذشته، این بار ما موضوع تعریف تجاوز را در این سند مطرح کرده ایم؛ به این معنی که ما به عنوان همکاران ستراتیژیک، روی تعریف تجاوز به توافق برسیم. ما باید یک تعریف واضح از تجاوز ارائه کنیم که هم افغانستان، هم امریکا روی آن توافق داشته باشند. فردا اگر مسأله ای مطابق به این تعریف تجاوز، به وجود می آید، امریکا باید مسؤولیت خود را انجام دهد.

جامعه باز:

آیا این تعریف از تجاوز، کلاسیک است و تنها شکل قدیمی از تجاوز را توضیح می دهد که در آن اردو و نیروی نظامی یک کشور به کشور دیگری حمله و به خاک آن تعرض می کرد یا تعریف شما موارد بیشتری را در بر می گیرد و به آن ابعاد جدیدتری را می افزاید؟

ایمل فیضی:

تعریف ما از تجاوز این نیست که تعرض بالای خاک افغانستان تنها و فقط با داخل شدن تانک و عساکر یک کشور همسایه در خاک ما انجام می شود؛ بلکه تجاوز دارای ابعاد دیگری هم است. این تجاوز شامل حملات انتحاری و دیگر حملات تروریستی که به نام طالب در لباس ما صورت می گیرد و در نتیجه آن مردم ما آسیب می بینند نیز می شود. بنابراین، باید تعریف واضح و روشن از «تجاوز» ارائه شود، به گونه ای که دو طرف بالای آن توافق داشته باشند.

بر اساس ارائه تعریف واضح از تجاوز، در مرحله بعدی است که دولت افغانستان با امریکا می تواند روی موارد دیگر این سند به توافق برسد. به این ترتیب، وقتی بالای خاک افغانستان تجاوز صورت می گیرد، باید روشن شود که عکس العمل امریکا در برابر این مسأله چیست و باید چگونه همکاری امریکا در مورد، روشن شود. نگرانی رئیس جمهور ناشی از طرح موضوع امنیت، به مسأله تجاوز برمی گردد. با حل این امر مهم، مسأله از ابهام خارج خواهد شد. در سند ستراتیژیک گذشته تجاوز تعریف نشده بود و امریکا گفته بود که از افغانستان دفاع می کند؛ اما عملاً وقتی حملات راکتی بالای افغانستان صورت گرفت، امریکا آنرا نپذیرفت و هیچ نوع همکاری با افغانستان نکرد.

جامعه باز:

حد اقل در چشم انداز کنونی روابط افغانستان با کشورهای همسایه، تهاجم کلاسیک دیده نمی شود. به نظر نمی آید هیچ یکی از کشورهای همسایه در صدد حملات کلاسیک به شکل لشکرکشی در خاک افغانستان باشد. با توجه به این امر، ممکن است امضای سند امنیتی و دفاعی تا مدت زمان طولانی برای افغانستان دست آوردی نداشته باشد؛ بنا براین، توافق روی همکاری های امنیتی و دفاعی باید ابعاد دیگری از مسایل افغانستان را پوشش دهد و شامل شود؟

ایمل فیضی:

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

بلی. توسعه تعریف تجاوز، موضوع مهمی است. در صورت تعریف دقیق داشتن از تجاوز، پاکستان با توپ و تانک خود نخواهد آمد. در این صورت، اگر پاکستان بالای افغانستان هجوم نظامی بیاورد، برای ما از این جهت بهتر است که ما تعریفی از دشمن خود را داشته باشیم، نه مثل اکنون که آنها حملات راکتی بالای خاک افغانستان انجام می دهند و تروریستان و آدم کشان را برای قتل مردم ما می فرستند؛ اما منکر این عمل خود می شوند. برای فعلاً مشکل اساسی تعریف تجاوز است. در کنار این، چگونگی مأموریت نظامی امریکا بعد از سال ۲۰۱۴ در افغانستان است. یکی از دلایلی که باید سند امنیتی و دفاعی با امریکا امضاء شود، دفاع امریکا از افغانستان در مقابل تجاوز بیرونی بالای افغانستان است. امریکا می گوید، پاکستان یک همکار ستراتیژیک ما علیه تروریسم است.

■ موضوع دوم،

تجهیز و آموزش نیروی نظامی کشور است. ما به این باوریم که سال‌های سال، از کشور خود دفاع کرده ایم و نیروهای امنیتی ما فرزندان دلیر این کشور که روزانه قربانی می‌دهند. اگر تجهیزات خوبی داشته باشند و آموزش داده شوند، می‌توانند که امنیت کشور را به‌خوبی تأمین کنند که این را ثابت هم کرده‌اند. یکی از مشکلاتی که در یک‌دهه گذشته همواره وجود داشته، این مسأله است که امریکا به هر دلیلی، نخواستن نیروهای امنیتی ما را به‌شکل واقعی‌اش تجهیز کند. نیروهای امنیتی کشور هنوز با وسایل و امکاناتی که بتوانند علیه بی‌ثباتی مبارزه کنند، تجهیز و آماده نشده‌اند.

جامعه باز:

آیا در زمینه تجهیز نیروهای امنیتی پیشنهاد مشخصی در متن مذاکره وجود دارد؟ به طور مثال، به جای خرید تجهیزات، پول قیمت خریداری تسلیحات نظامی در اختیار دولت افغانستان قرار گیرد؛ تا دولت متناسب با نیازهای خویش از هر جایی که خواست اسلحه بخرد یا جانب افغانستان به صورت مشخص از امریکا خواسته است که آنها خود تسلیحات و تجهیزات نظامی را در اختیار ما قرار دهد. مثلاً در بخش نیروی هوای افغانستان ما سالانه به چند فروند طیاره نیاز داریم که امریکا باید بدهد؟ و همین‌طور در عرصه تجهیزات نیروهای زمینی کشور؟

ایمل فیضی:

پیشنهاد مشخصی نه‌تنها اکنون، بلکه در زمان آقای وردک در وزارت دفاع، وجود داشت. فهرست مشخصی از پیشنهادات به پانیتا، وزیر دفاع اسبق امریکا ارائه شد و بعداً بارها روی درخواست نیازمندی‌های نظامی افغانستان به امریکا از جانب ما تأکید صورت گرفت. امریکا به این نظر است که با توجه به تهدیدهای فعلی (موجود)، نیروهای امنیتی افغان را تجهیز و کمک می‌کند. به نظر امریکا، تهدید برای افغانستان، طالبان است. این دومین آرزو و توقع ما از امضای همکاری‌های امنیتی و دفاعی با امریکاست.

دولت افغانستان باور دارد که این سند باید در چوکات مشخصی صورت بگیرد و نباید آنرا مشروط بسازیم. به دولت افغانستان این اختیار داده شود که نظر به نیازهای خود، بتوانند نیروهای نظامی‌شان را تجهیز کند و این آزادی را باید داشته باشد که تجهیزات را از کدام کشور خریداری و آماده کند. در این زمینه، افغانستان خواهان استقلال عمل است.

جامعه باز: علی‌رغم این اختلاف، موضوع حملات خودسرانه از جانب امریکا هم یکی از مواردی بوده که دولت افغانستان همیشه با امریکایی‌ها دچار اختلاف بوده؛ آیا این مسأله حل شده است؟

ایمل فیضی: در کنار دیگر مسایل، باید از جنگ و دشمن هم تعریف واضحی صورت گیرد. در اوایل، دیدیم که امریکا گفت، جنگ ما مبارزه علیه تروریسم است؛ اما بعداً گفتند که جنگ ما علیه شورشی‌هاست و حتا در این اواخر امریکا می‌گوید که این جنگ داخلی است. با این وضعیت، فضای بی‌اعتمادی بیشتر می‌شود و این پرسش به وجود می‌آید که امریکا برای چه هدفی به افغانستان آمده است. آیا امریکا واقعاً به خاطر اهدافی که جامعه جهانی و سازمان ملل تعریف و مشخص کرد، به افغانستان آمد؛ یعنی جنگ علیه تروریسم؟ بیش از یک‌دهه که امریکا در افغانستان حضور دارد. در این‌مدت، مردم افغانستان قربانی‌هایی را که داده و ضررهایی را که متحمل شده، قریه‌ها و خانه‌هایی که ویران شده و تلفات ملکی را که متحمل شده، همه به دلیل حضور امریکا بوده است. اگر امریکا از جنگ داخلی حرف می‌زند، پس حضور امریکا طی این‌مدت در جنگ داخلی گذشته است؟ کشته‌شدن مردم و انداختن مردم در زندانها به خاطر جنگ داخلی بود؟ این اظهارات فضای بی‌اعتمادی را به وجود می‌آورد و عدم وضاحت

در مقابل پاکستان و نبود یک تعریف مشخص از تجاوز و جنگ و دشمن، از مشکلات پیشروی امضای سند همکاری‌های امنیتی با امریکا است.

امریکا خواهان استقلال عمل بعد از سال ۲۰۱۴ میلادی در افغانستان است. مطابق برداشت امریکا، دشمن آنها در افغانستان القاعده است، نه طالبان. آنها این استقلال عمل را در عرصه عملیات نظامی علیه القاعده در خاک افغانستان می‌خواهند.

جامعه باز: یعنی بدون هماهنگی نیروهای نظامی افغانستان؟

ایمل فیضی: امریکا می‌گوید اینگونه عملیات‌ها پیچیده است و نیروهای افغان آمادگی انجام آنها را ندارد؛ بلکه باید نیروهای امریکایی این عملیات‌ها را انجام دهند. وقتی رئیس جمهوری از امریکایی‌ها می‌پرسد که چه تعداد از افراد القاعده در خاک افغانستان حضور دارد، مقامات نظامی امریکا می‌گویند، در حدود ۷۵ نفر القاعده در خاک افغانستان فعالیت دارند. پرسش این است که برای ده سال دیگر، بر اساس سند همکاری‌های امنیتی و دفاعی، نیروهای امریکایی در افغانستان می‌خواهند به خاطر ۷۵ نفر، عملیات خود سرانه را انجام دهند؟ باور ما این است که امریکایی‌ها باید با ریشه‌ها و عوامل جنگ و تروریسم و سیستم حمایتی که بیرون از خاک افغانستان برای فعالیت این گروه وجود دارد، مبارزه کند و این مسأله در طول ده سال گذشته صورت نگرفت و حالا بعد از این هم به خاطر جنگ علیه تروریسم شما به خانه‌ها و قریه‌های مردم جنگ را می‌برید. بنابراین، این روند ادامه راه ده سال گذشته است. بعد از سال ۲۰۱۴ به ریشه‌ها و عوامل تروریسم توجه نمی‌شود؛ بلکه شما به خاطر مبارزه با القاعده پشت چند تروریست می‌روید. افراد القاعده از مردم و خانواده‌ها سپر انسانی درست می‌کنند. آیا شما به خاطر سه یا چهار نفر القاعده یک قریه و اعضای یک خانواده را بمباران می‌کنید؟ دولت افغانستان در طول این ده سال مخالف عملیات‌های خودسرانه و بمباران خانه‌ها و قریه‌ها توسط امریکا بود. با این پیش فرض که دولت افغانستان به امریکایی‌ها استقلال عمل در امر حمله به تروریسم را بدهد، باز هم جنگ در افغانستان ادامه خواهد یافت. وقتی در ده سال تعداد القاعده کم نشد و افغانستان تلفات زیادی را متحمل شد، بعد از این نیز با از بین بردن دو یا سه یا ده نفر نمی‌توان با القاعده مبارزه کرد و به خاطر آن قریه‌ها و منازل را نابود کرد. حکومت افغانستان و مردم ما هرگز اجازه چنین آزادی را که در مخالفت روشن با حاکمیت ملی افغانستان قرار دارد، نخواهند داد.

جامعه باز:

آیا در سند همکاری‌های امنیتی و دفاعی، تعداد عساکر و پایگاه‌های امریکایی‌ها بعد از سال ۲۰۱۴ در خاک افغانستان مشخص شده است؟

ایمل فیضی:

در مجموع، موضوع ۹ پایگاه از سوی مقامات امریکایی مطرح شده است و رقم مشخص عساکر را هم گفته می‌شود که رئیس‌جمهور امریکا تعیین می‌کند.

ما با تأکید می‌گوییم که اگر بعد از سال ۲۰۱۴ به امریکایی‌ها در عملیات نظامی آزادی عمل داده شود، تعداد پایگاه‌ها و عساکر هرچه باشد، این کار، جنگ علیه تروریسم را به کامیابی نمی‌رساند. برخی رسانه‌ها می‌گویند که این خوب است که امریکایی‌ها علیه تروریسم می‌جنگد و القاعده از بین برده شود. این را دولت افغانستان هم قبول دارد؛ اما با هر بار حمله بالای القاعده، معلوم نیست چه تعداد از افراد ملکی کشته شود. پس امریکا القاعده را از ریشه از بین نمی‌برد؛ بلکه دنبال افراد آن در قریه‌های افغانستان می‌رود که با چنین استراتژی جنگی، القاعده از بین نمی‌رود.

پیش از این حضور امریکا مشروط به توافق‌های سازمان ملل بود؛ اما بعد از سال ۲۰۱۴ این تفاوت وجود دارد که امریکا بدون سازمان ملل در افغانستان می‌ماند و فعالیت‌شان بر اساس سند دوجانبه با افغانستان تنظیم می‌شود؛ یعنی موافقت دوجانبه میان حکومت‌های هر دو کشور.

جامعه باز:

سؤال بعدی این است که با همه این دشواری‌ها، آیا گزینه بدیلی هم وجود دارد؛ یعنی در صورتی که این مذاکرات به بن‌بست برسد، آیا امکانش هست که از امضای این سند صرف نظر کنید یا اگر این سند امنیتی با امریکا امضاء نشود، امریکا گزینه بدیلی دارد؟

ایمل فیضی:

باور ما این است که امریکا نمی‌خواهد از افغانستان خارج شود. رئیس‌جمهور برای برآورده شدن خواسته‌های دولت افغانستان مصمم است.

جامعه باز: تاکنون چند تیم روی امضای سند همکاری کار کرده است؟

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولی

ایمل فیضی:

برای پیش‌برد مذاکره روی امضای سند، چند تیم تا هنوز کار کرده است. تیم اول، حوزه‌ها و چگونگی همکاری‌های امنیتی و دفاعی را از لحاظ تکنیکی تعیین و مشخص کرده است و تیم دوم که تحت رهبری داکتر صاحب اسپینتا، محترم ارشاداحمد، معین سیاسی وزارت امور خارجه و چند وزیر دیگر حکومت اکنون روی این سند کار می‌کنند. هرچند اشرف‌غنی احمدزی از این پست استعفا داده است، اما باید گفت که تیم دوم نیز صلاحیت اجازه ماندن امریکا بعد از سال ۲۰۱۴ را در افغانستان ندارد. این تیم موضوعات را به رئیس‌جمهور ارجاع می‌دهد و رئیس‌جمهور تصمیم نهایی را در مشوره با ملت افغانستان خواهد گرفت. از طریق لویه‌جرگه، با در نظر داشت نظریات مردم، تصمیم نهایی در مورد این سند گرفته خواهد شد.

هرچند با برگزاری لویه‌جرگه مخالفت‌هایی صورت می‌گیرد و مخالفان می‌گویند، وقتی پارلمان باشد، نیاز به تشکیل و برگزاری لویه‌جرگه نیست؛ ولی دولت مخالف پارلمان نیست؛ اما ما به این نظریه که امضای این سند بسیار مهم و سرنوشت‌ساز به دلیل اهمیتی که برای افغانستان دارد، باید نماینده‌های بیشتر از مردم افغانستان در جریان امضای آن قرار بگیرند. با برگزاری لویه‌جرگه، از پارلمان، جامعه مدنی، علماء، احزاب سیاسی، رهبران سیاسی، جوانان و رسانه‌ها دعوت می‌شود که در لویه‌جرگه شرکت کنند. رئیس‌جمهور به این باور است که تنها رئیس‌جمهور، پارلمان و دولت به صورت کامل از کشور نمایندگی کرده نمی‌تواند. پس با این دیدگاه، نباید با برگزاری لویه‌جرگه مخالفتی صورت بگیرد.

جامعه باز: به نظر مخالفان برگزاری لویه‌جرگه، اعضای این مجلس سنتی آگاهی لازم از چگونگی یا اهمیت این سند را نمی‌دانند؛ یعنی امضای همکاری‌های امنیتی یک بحث مهم و تخصصی است و تنها افراد متخصص و باصلاحیت در امضای این سند قادراند و می‌توانند بحث و گفت‌وگو کنند، در حالی که اکثریت شرکت‌کننده‌های لویه‌جرگه که از اطراف و روستاهای افغانستان می‌آیند، افراد بی‌سوادی‌اند که به‌درستی منافع افغانستان را تشخیص داده نمی‌توانند؟

ایمل فیضی:

متخصصان و آگاهان دوکشور روی این موضوع کار کرده‌اند و می‌کنند. این سند توسط کارشناسان تهیه و تدوین می‌شود و جزئیات آن به مردم افغانستان ارائه می‌شود. مردم در لویه‌جرگه راجع به این موضوع تصمیم‌گیری نمی‌کنند که این سند چگونه باید باشد؛ بلکه آنها در موارد کلیدی این سند تصمیم می‌گیرند. مردم تصمیم می‌گیرند، به گونه‌ی مثال که امریکا بعد از ۲۰۱۴ آزادی مأموریت نظامی در افغانستان را داشته باشد یا نه، و مردم اجازه دارند تصمیم بگیرند که آنها در افغانستان حضور داشته باشد یا نه. این حق من و شما و تمام اتباع کشور است.

جامعه باز:

پس لویه‌جرگه تنها به عنوان یک نهاد مشورتی عمل نمی‌کند؛ بلکه در آن تصمیم‌های اجرایی هم گرفته خواهد شد؟

ایمل فیضی:

شما لویه‌جرگه قبلی را هم به خاطر دارید که از کمیته‌های مختلف تشکیل و برگزار شد. مردم در این لویه‌جرگه نظریات خود را در موارد ارائه کردند و ممکن است چنین برخوردی را با این سند نیز بکنند. هدف ما این است که مردم افغانستان از محتوای تمام این سند با خبر شوند و ملت ما تصمیم نهایی را بگیرند.

جامعه باز: بحث پیمان و رابطه آن با انتخابات را چگونه می‌بینید؟

ایمل فیضی:

امریکا گفته بود که قبل از انتخابات باید این سند نهایی شود؛ اما پیشرفت این سند بستگی به توافق دوطرف دارد. اگر در وضعیتی که اکنون قرار دارد، ادامه پیدا کند، امکان این وجود دارد که با انتخابات هم‌زمان شود. اگر مذاکرات پیشرفت کند، نیازی نخواهد بود که کاندیدها هم در مبارزات انتخاباتی شان روی این موضوع بپردازند؛ بلکه تا آن زمان لویه‌جرگه تصمیم خواهد گرفت.

جامعه باز:

امضای پیمان مرتبط است با مسأله صلح و امضای این پیمان در زمینه جنگ و صلح مطرح شده است. پرسش این است که مصالحه و آزادی برخی از زندانی‌های سران طالبان، از جمله ملاغنی برادر به نحوی با سرنوشت پیمان گره خورده بود و اکنون با آزادی یکی از سران طالبان که ملاغنی برادر است، امضای این پیمان چگونه صورت می‌گیرد؟

ایمل فیضی:

این پرسش، ما را از بحث پیمان دور می‌کند. موقف حکومت این بود که ملا برادر باید آزاد شود. حالا پاکستان می‌گوید که ملا برادر آزاد شده است؛ اما در یک خانه تحت نظارت پاکستان قرار دارد. خواست ما این است که با آزادی ملا برادر، او به افغانستان تحویل داده شود و اگر چنین نشد، ملا برادر یا پاکستان نخواست که به افغانستان بیاید، باید در کشور سومی انتقال داده شود. هر جا که باشد، باید آدرسش مشخص باشد و دسترسی به او وجود داشته باشد برای شورای عالی صلح و ملا عبدالغنی برادر مصئون باشد.

جامعه باز:

بحث مصئونیت قضایی سربازان امریکایی یکی از مسایل مهم این سند بود. این مسأله در پیمان گنجانیده شده است یا نه؟

ایمل فیضی:

این موضوع برمی‌گردد به چگونگی مأموریت نظامی امریکا در افغانستان. اگر ما روی چگونگی این مأموریت به توافق برسیم، ساحة فعالیت نیروهای نظامی امریکا مشخص می‌شود و حد مرزی تعیین خواهد شد و این‌که آنها چه حقی را دارند و حق چه را ندارند، کدام فعالیت‌شان رسمی گفته می‌شود و کدام‌شان خارج از آن قرار دارد. پس بر اساس فعالیت‌ها، حوزه‌ها و حدود مرز توافق را ما تعیین می‌کنیم.

جامعه باز:

آیا این موضوع با احزاب و جریانهای سیاسی برای همگرایی بیشتر در میان گذاشته شده است یا خیر؟
ایمل فیضی: احزاب سیاسی ما به آن پختگی که باید رسیده باشند، نرسیده اند. کاش همان گونه که روزنامه خوب و قوی‌ای مثل روزنامه جامعه باز داریم، احزاب سیاسی خوب و قدرتمندی هم می‌داشتیم که نداریم متأسفانه. اما رهبران سیاسی و جهادی کشور در تمام مسایل ملی و بزرگ کشور با رئیس جمهور در تماس اند. اما در مورد مصالحه، شما در جریانی که رهبران جهادی و احزاب دعوت می‌شوند. بر این اساس، روی سند امنیتی و دفاعی نیز با احزاب مشوره صورت گرفته و این رابطه ادامه خواهد داشت. برخی از افراد در رسانه‌ها می‌گویند که دولت با آنها مشوره نمی‌کند؛ اما آنها هیچ وقت موردی و به‌صورت مشخص نمی‌گویند در کدام زمینه دولت با احزاب و رهبران مشوره نکرده است. دولت همیشه روی منافع ملی با احزاب و مردم افغانستان مشوره می‌کند.

د پانو شمیره: له ٦ تر ٦

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ